

قیمت سالبایه  
از وزراء و اعیان دولت بقدر  
معارف دوستی شان  
رأی مکاتب ملی و کتب خانهای ملی  
و معاونین و وقائع نکاران (فخری)  
رابکان  
از عموم خریداران در داخله  
(۱۲) روبیه کابیل در خارجه  
نم بند انگلیسی با محصول پوت  
از طلا و مخلصین نصف قیمت  
ششم  
داخله خارجه  
(۸) روبیه (۷) شلنگ

درین جریده از هر گونه علوم و واقعی سیاسی  
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

الاکادمی

ده افغانستان کابل

سرد بیر

سید محمد قاسم

مه امورات تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

درین هدته یکبار اشر میشود

اورافقه درج نشد اعاده نمیشود

# امان وعده

۱۳۰۳ سع

از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود

قیمت یک نیاره یک عساکی

تاریخ فری (۹) شعبان سنہ (۱۳۴۲) هجری (۲۰) دوت ۱۳۰۲ هجری (شده)

## فهرست مذکور جان

- (۱) در اطراف افتتاح مدرسه علوم سیاسی - (۲) احسانات برادران عنبر و امامت تحب ایران سبب به ما افغانستان - (۳) اعتیادات - (۴) متفوعه -

کردانیده است، از بدو زمان تا حال هرچه از تباہی اقوام و جامعه ها  
میشنویم و می بینیم باعث تباہی آنان همین بوده که مردان کار  
نداشتند و کار نمی کردند.

درست عکس این افرادی که در دنیا نام کشیده شاهکار  
های افغانی از آنها بیاد کار نمایند، و یا ملکی که از حضیض ذلت،  
باوج عننت ارتقا و اعتملا نموده مقامات طالبه را در صرف ملل عالم  
احراز نموده اند، و یادولیک ادامه استقلال و حیات توائنه،  
صاحب قوت و سلطوت کردیده سیطره خود همارا هر طرف توسع  
داده اند، علتش همین بود که مردان کار بودند، و مردان کار  
داشته و خود را اهل کیرو دار ساخته، از اطمینات و صدمات دهن  
خوف و هراس نمکردند و جد و جمده نمودند و نام یک ابدی را  
بر راحت یک ساعه و تپی و قبول ذات رجیع دادند،  
تاریخ عبارت از درس همین وقایع است که اکثر در صفحات  
آن تعمق شود مدل میگردد، که بحث آن عبارت از عروج  
و انحطاط افراد، و دول، و مملک، و عوامل و عمل این عروج  
و انحطاط است، روی هم رفته ملال همین یک ذکر رجوع  
میگاید که، مردان کار داشتند و کار کردند، و یا مردان کار نداشتند  
و از داشتند کار نمکردند.

## در اطراف افتتاح مدرسه علوم سیاسی

دنیا محل کیرو دار و جای زحمت آشی و کار است، کسی که  
درین گیر و دار، درسایه سی و محل شانه بشانه همسران و  
حرفان زد، زنده مانده کوی سعادت رزود، و نام یکی که  
نام زندگی است حاصل نمود ولی این یک را هم باقی ملتفت شد  
که رای کار مردان کار باید، هر کس نمیتواند کار کند و از همین  
میدان مبارزه حیاتی بشیار آید، از جهات اشخاصی که عطای  
ونقل را شیوه خود قرار داده و بحالت فقر و ذات زندگی کرده  
و در زوایه کنایی و خون ترک حیات نموده اند و یا ملی که از مبارزه  
و شانه دادن خواهد خود را کناره کشیده راحت یک ساعه  
را غنیمت داشته اند، زودی شیرازه قومیت و ملیت شان از هم  
لسبخته، طوری تجو و تابود شده اند که نامی هم از آنها نماند  
است و هکذا دولی که احوال شان مثل همین اقوام و مملک بوده  
واز اوضاع جهان غافل و از مقتضیات زمان حاصل مانده شان  
و لشان چند روزه قناعت و از کار و خدمت صرف نظر کرده  
فراغت جسته اند، اطمینات نوایب زمان وجود شائز خورد ساخته،  
باذهای عواصف دهن ذره های آن را روی هوا رده شد و تابود

یک مرد کاری مثل حضرت مالی آقای محمدولیخان وزیر امور خارجیه سپرده اند.

ما نیخواهیم که حضرت مالی مشاربها را مانند متعلقاتن کلات هبته‌له تمجید و تحسین و عبارات عمومیه عوام فریب تعریف کنیم، جه ذات عالی شان بعقوله ما زین صراحت بلطفت است، وهم مسلک ما بین عادت را تعقیب نمی‌تواند. مقصود از ذکر نام این مرد بزرگوار محض برای توضیح غرضی است که باطراف آن مشغول نوشتن هستیم.

حضرت عالی آقای احمد اشرف وزیر امور خارجیه در مأموریت‌های کذشته و حاضرة خود خدمایی که کرده اند بهموم وطن خواهان و جهور اصحاب فکر و وجودان، و ذوایکه برق وطن علاقمندی دارند ظاهر و آشکار بوده آرا تمجید و تقدیری کنند، اما چیزی که مارابه کمال درایت و کاردانی حقیقی و کاری کری واقعی و هوشمندی این مرد نیکو خصال معترف ساخته و صدمانه آرا از نقطه نظر ملت خواهی تمجید می‌کنم تا پس مدرسه علوم سیاسی است که بقیاد کار است و اساس اصلاح و امیدواری به آئیه.

حضرت ایکه در وزارت امور خارجیه مأمور و موظف می‌باشند از اجرای آت کار بالضروره این مسئله را تقدیر کرده خواهند بود که میان ما و دیگران ناجه، اندازه فرق و تباعد است، آن‌ها بکجا و مابکجا هستند، و این را هم دانسته باشند که نفع و قدم آنها محض جدیت و دانسته کی از اصول و رواج و اصطلاحات و مسائله جاریه سیاسیه است و حق دقت کرده خواهند بود که در کار سیاسی کلات متراوه، نقدم و تأخیر کلات، آیین‌سطور، قطع مکاتبات، شروع صرام و دیگر جزویات کثیره که در دیگر جایه آن اعتنائی نموده شود در نجا بشدت راهیت می‌کردد. علاج یک‌مان این شخص ما تحصیل و عملت فردان تحصیل بودن مدرسه بوده. اینست که جناب اعلی آقای وزیر ذکاوت نخیر تشخیص مرض و تعیین دواوهایه اینها نموده مکتب سیاسی را در وزارت خارجیه تصویب و مقدمات اساسیه آرا بحضور شاهانه طی نموده شعبه دوم این مکتب فیض مکتب را افتتاح نموده اند.

مدرسه علوم سیاسی ما دو شعبه دارد اول شعبه منتظم نظیر مدارس سیاسی که در عالمکث متمدنه جاری است. این شعبه برای جوانان غیر مستخدم است که مثل سابر مدارس از صبح تا اواخر ظهر در آن مشغول تحصیل خواهند بود. بروکرام این شعبه موفق است با بروکرام مدارس عمومیه سیاسی با صراعات بعض امور که مصالح و مقتضیات عجیبی مان ایجاد می‌کند. بروکرام مذکور ترتیب و تصویب شده که بوقوع افتتاح نشر خواهد شد. دوره تحصیل این شعبه چهار سال است. کسانیکه ازین شعبه خارج

ا کر در معلومات خود هر یک از فارین محترم دقت و غور کنند، مثالهای زیادی خواهند یافت که بر هم آن همین نظر به صارق بوده است که هر کس زحمت کشید، و جهارات و موانع را مقاومت نمود، و از هیچ چیز نرسیده از جاده استقامت و حقایق یار کنند. هم‌مقاصد قلبیه واصل، و در جات عالیه را نائل کردید. و کسانیکه نسبی و محافظه کاری و حفظ مراتبها را شعار خود ساخته در موارد حقایق بآواز و جوانی عمل نکرده بهلوان زنده خوشن است را مسلک انجاذ نمودند، همچو حشرات الارض خرسه بصیرت ذلیل زین مردمان بوده، همچو حشرات الارض خرسه دنیه نزک حیات می‌کنند، و یک‌دعا می‌بدنایی را از خود برای اولاد و احفاد میراث می‌کنند.

اما هر کس مردکار و کارکنندگی نمی‌تواند، چرا که راحت نفسی خود را برای راحت دیگران از دست دادن و مشقات و صعوبات را در راه کار تحمل کردن و با اشکالات و تیرهای بدکوئی، و طعن مخالفین و حاسدین خود خواه سینه دادن، کار سهل نیست؛ از نجاست که مردان کار دیردیر در قوم و ملت ظهور می‌کنند و به قدر کارداری و قوت ارادی و عملی خویش سار افراد را بزیربار کار اندخته تمام حمامه را بیکنام و مسعود می‌سازند و دانای خودشان درین هر زین و قانین ملل درجه‌اول امتیاز و افتخار را حاصل می‌کنند و زنده ابدی می‌مانند، و برای ذریه خود سعادت و افتخار را به ازیز می‌کنند.

از طرف دیگر مردکار شدن و کار کردن کاردانی می‌خواهد، شخصیکه بیک کار نداند، ابدا آن کار را بیش برده نمی‌تواند و اکر تعمید کنند بوض اصلاح فاسدش می‌سازد، از نجاست که برای کاردانی، کار کردن در دستکاههای کار و استفاده از معلم کاردان لازم است. این دستکاههای کار مکتب و مدرسه است. امروز کسانیکه کار هارادر مکتاب آن بیاموخته باشند نمی‌توانند از عمده انجام بدر آیند بلکه عمدہ داران کار آمان را نمی‌کنند و با این کاری بشوند.

اعلیحضرت غازی گه امروز درین ملت افغان از جمله همان اشیخ‌اوص هستند که بعد قرنه در یک قسم و ملت برای احیای آن ظهور می‌کنند، ازاول جلوس بر این سلطنت به تهیه مردان کار که وطن و ملت را اصلاح بتوانند بذل همت نموده از طرف مکاتب را برای اطفال و جوانان دار کرده اند، و دار می‌کنند، و از طرف دیگر برای اجرای امور بومی و فعلی اشخاص کاردانی را که موجود و برای ذات شاهانه معلوم بوده مأمور کارها کرده اند چنانچه زمام امور و اداره وزارت خارجیه را که بحال حاضر روح ملت و حیات دولت است بدهست کفایت

هم بعد از چندی وارد خواهند شد . ویرایشک شما برادران  
عزمی زم که فعلا دروز ازت خارجیه مأمور عی مائیدازین فیض بکلی  
حررمه نمایند ، ووظائف خود را بدرستی از روی علم و باخبری  
اجراستوانید مدرسه علوم سیاسی بدشتیه منقسم شد بکی رای  
جو آنان داوطلب غیر مستخدم ودبکری برای شما کامروز روز  
افتتاح آن است . برادران من لازم است که تکر این احسان زرده  
اعلیحضرت فائزی را از صمیم قلب پنجا آورده در راه حصول آرزو های  
دان که بدل دارند باکمال حلوس وفعالیت توشن نمائیم این نکته را  
نهایا دانید و قبول دارید که علت قدم ملل متمنده علم  
و باعث پس مادران ما بی علمی است . شاید که نا ایتوت خود  
را معدود بدانیم که وسائل تحصیل علم بدست نداشتم اما حالیه  
که منابع علم و دانای از توجهات اعلیحضرت غاری برای ما  
حاضر شده جای هیچ نوع عذر نمای نمایند . آرزو دارم که  
نهایا ناما باکمال شف قلی وجد وجهد عملی در تلقی دروس  
واخذ علم مضایقه نخواهید کرد . تا شوانید درسایه علم وعلم  
خدمه های درستی بدولت وملت احجام دهید . علم علاوه ازان  
که لازمه و خاصه انسان است برای اجرای وظیفه تان که از  
ایقای آن بطور صحیح مسئول هستید نیز حقی است پس ماید  
از هر دو قسم نظر فوق العاده جد وجهد کنید امید وارم که  
آقایان محترم ( اشاره به آقای دفتری و آقای اشرف ) در تعلیم  
شما و رسیدن بمقصودن تان بذل توجهات خصوصی خواهند  
نمود . ( ائمی )

معلمین این مدرسه که فعلاً در قسمت دوم درس می‌دهند  
حضرات ذیل می‌باشد.

۱۱- آفای علی اکبر خان دفتری مشاور حقوقی وزارت  
دارجیه : معلم حقوق یمن الملک .

(۲) آقای فاخان اشرف که مخصوصاً برای معلمی این درسه از ایران خواسته شده بود، معام حقوق جزائی

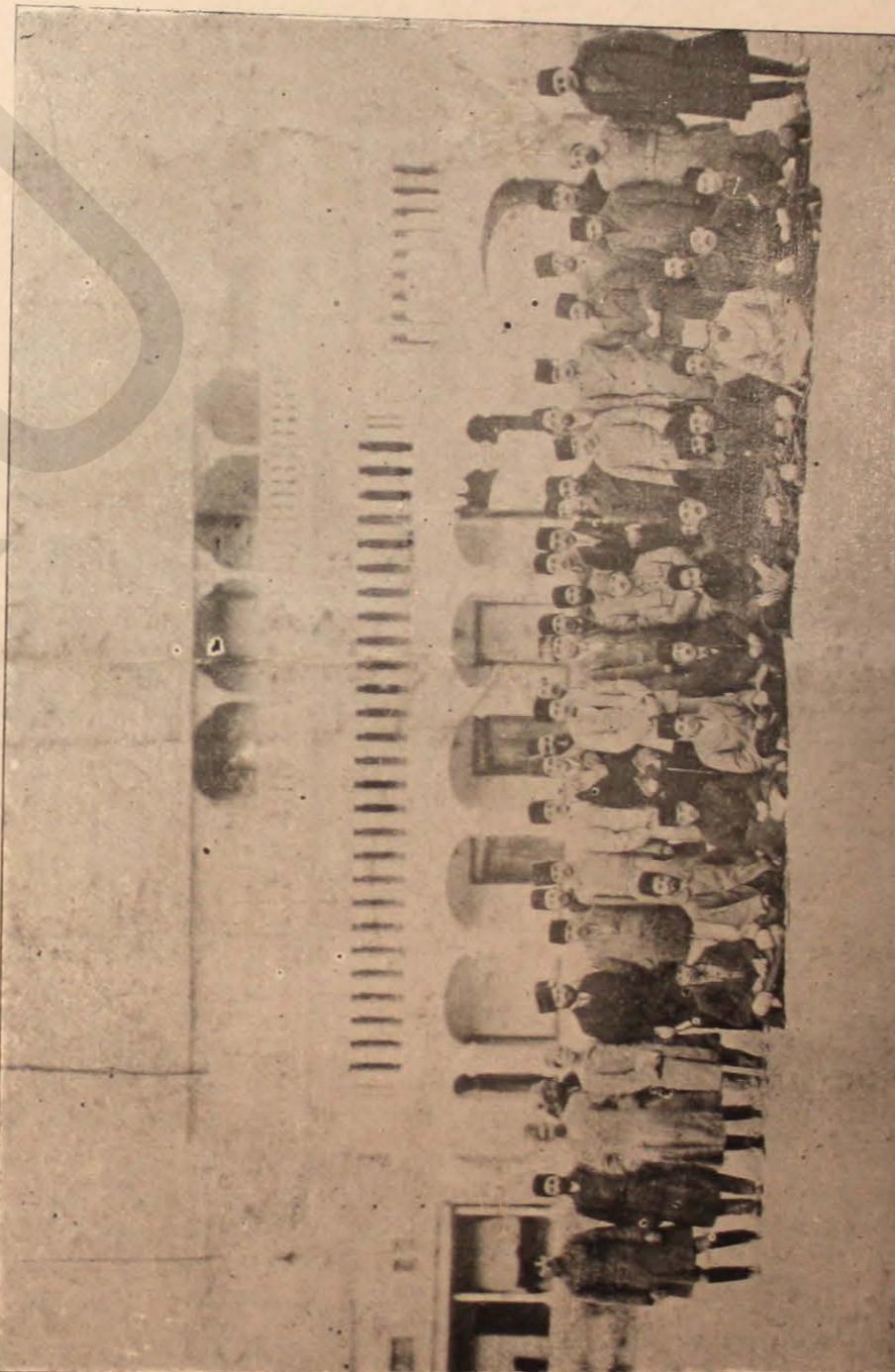
(۳) سردی بر امن افغان معلم تاریخ و جغرافیا که اخخارا  
مالیات و اقتصاد و دفتر داری .

علمی این دروس را باور دادند و معمای زیر مسمی می خواهند  
که این اکبر خان دفتری و آقای آفاختان اشرف از برادران هنرمندان  
و عجوب هدین وهم بان وهم نژاد ما ایران بوده و علاقه مندی  
شخصی خواستار باشد و از این طرف شان لسانه حقوق  
و مشهی رجه نف و حلقو و ماحده دیت و سیمیت خواستند  
وعن شاهده خواهند این دو حوان وحدان صفت کار  
نمایند از این دو نیز کردان افغان جدید و علاقه مندی قلبو

میشوند لیسانس حقوق بوده خدمات سیاسی را بخوبی متعهد شده  
می توانند . برای داخل شدن مابین شعبه دانشگاهی مقدار معلومات  
که معادل تحصیلات استادی می باشد بعدها یک امتحان ورودی  
لارم است . شعبه منبور همینکه عدد داوطلبان آن به بیست نفر  
رسید دائز می شود الشاء الله در اوائل سال نو این شعبه افتتاح  
و جاری خواهد شد

شعبه دوم برای اعضای مستخدمین موجوده وزارت  
خارجه است که بعد فراغت از کار دو ساعت درس میکرند .  
بروکرام این شعبه عبارت از حقوق بین الملل عمومی و حصولی  
و حقوق جزائی و مالیات و اقتصاد و تاریخ و چراجها و دفترداری  
است . مدت تحصیل این شعبه دو سال قرارداده شده است .  
همه اعضای وزارت خارجه ( باستثنای چند نفر که بواسطه بوسن  
و یا بعض عوارض دیگر قوت تحصیل ندارند ) مکلفند که علوم  
منبوره را تحصیل کنند . و با مداراز ختم دوره مقرره امتحان عمومی  
داده شهادت نامه بگیرند متاخر جین این شعبه بوجه ساخته خدمت  
و استحضارات عملی برقرار و مسیر متاخر جین شعبه اول خواهد  
بود . افتتاح این شعبه دوم یک صورت خبل مختصر بود و از  
دیگر اعیان و بزرگان کسی دعوت نشده بود بموضع افتتاح حضرت  
مال وزیر صاحب نطق ذیل را در نهایت انجاز و بلافت اراده خودند

نراق حضرت عالی و زیر صاحب  
برادران هنوز اصرار بک روز بسیار مقدوسی است که  
اساس پک پسای سعادت و رزق کذارده می شود . من خود را  
خیلی بختیار می نهارم که بواقع ماموریت من در وزارت خارجه  
مدرسه علوم سیاسی افتتاح و داشت شد . همه شما میدانید که  
پیشرفت ساز امور مملکت منوط به دالتن است و آنهم فقط  
از راه معارف حاصل می شود لهذا اساس و بنیاد همه امور بر معارف  
است و بدون معارف هیچ امری درست نمی شود . اعلیحضرت  
ظای این نیکتی را بخوبی درک نموده معارف مملکت را بیک  
اساس متبیی کذارده اد و همیشه در صدد توسعی و تعمیم آن  
می باشند . می بینید که انواع مکاتب و مدارس لارمه را بمناسبت  
موقعیت و ختمیت دارمی کنند و معلمین قابل و کار آکاه ار خارج  
جلب می نمایند . از جمله مدارس خبل ضروریه مدرسه علوم  
سیاسی بود نیارای ماموریتهای وزارت خارجه و باقی حدنهای  
سیاسی آدمان داما و کار آکاه نمی باید . جبهت احمد دادن این  
منظور مهم داشتند مدرسه سیاسی را در خود وزارت خارجه  
حضور شاهانه تصویب نمودند و معلمین آن را از یک مملکت و دولت  
هنوز مان ایران خواسته شد که استک بک قای علی آید خار  
دقتری و دیگری اقای قاخان اشرف می باشند و چند دیگر



فونوی حضرت عالی وزیر صاحب امور خارجیه و حضرات معلمین و باقی اعضای وزارت خارجیه آن بعداز افتتاح مکتب و تلقی دروس در چن مقابل عمارت وزارت خارجیه به یادگار آن روز بزرگت خارجی کرده شد در وسط که روی چوکی نشسته آنده حضرت عالی وزیر صاحب امور خارجیه است . عقبه را بشان ایستاده سر دیده ایان افغان ، بطرف راست او ایستاده آقائی علی اکبرخان فتویه بطریف جب او آقائی آغازان اشراف معلمین مکتبه

بروز میدهند ماقبیه دارم که در سایهٔ بیافت و جدیت این آقایان  
محترم و در پرتو مجاهدات و شفف آقایان معلمین در زدیکترین

وقایت مدرسهٔ علوم سیاسی رفیق فوق العاده نموده آقایان من بور  
خدمتی به افغانستان نموده باشد و جربه هاجرانه ما حسن  
مساعی آمان و نبل به آمال منظورة مازرا باکمال امتحانه قاریین  
حقیرم و ملت معظم خویش ابلاغ خواهد نمود.

در خانمِ می توم جون بملت قدر شناسی رجال بزرگ  
و گاردان مجلست که آز صمیم قلب و باکمال جدیت به ملت خدمت  
می کنند و در ذیه وسائل زرق و اعمال آنان مطابق نموده  
خوب است، یا یعنی بدانم این خدمت اساسی را که حضرت  
ستطاب وزیر امور خارجیه نموده اند احسان و لعنت بزرگ  
ست که در صفحات تاریخ پادشاهانه فرمایند دولت علیه افغانستان  
(مانها افق عن طور اق احمد ئان) موجود است ملت افغان از  
ثمرات و برکات آن محظوظ و شیرین کام خواهند بود ولازم است  
که محبت این وزیر روش ضمیر خودها را در اعماق قلوب جای  
بدهیم و مساعی حست اورا هر کفر اموش نشکنیم.

وازانجا که در واقع مسبب این لعنت و سائر خوشبختیها  
و خیباری های ما که هر روزی بینیم و قدم به مدارج رفیق و تعالی  
من کذارم ذات ستوده صفات پدر معنوی مشقق و مهربان ما  
اعلیحضرت ظازی است که رای راحت و سعادت حلال و استقبال  
ملت خویش هم رحیمات و تکلیقات جان فشانی وجود و جهاد  
را برخود کوارا کرده ساعتی از فکر بپروردی و زرق ملت  
و تهی وسائل سعادت آنان فارغ نیستند بجهبور مامت فرض  
است که دعای طول حیات و زیادت توفیقات اینان را ورد  
زمان ساخته کاپیدات ایندی را رای شان باکمال خلوص و صدق  
حقیقت از حداوند متعال بیاز کنیم.

## اعلان

شرکت برادران افغان اعلان می کنند که سرمایه اساسی  
شرکت مذکور وقت دائز آن (۲۰۰۰۰) روپیه  
و (۲۰۰) سهم فرار داده بود، جون بعض حضرات  
خواهش خرد اسهام را از مؤسین نمودند و اسهام قدر  
کفایت نماده بود به تاریخ ۲۲، لو مسال مجلس فرق لمامه  
شرکت رای تکمیل سرمایه ترک اعتقد بافت به تصویب  
عموم اعضا سرمایه شرکت بیان روحیه که هیات از  
۱۵۰۰ سهم ناشد، فرار اد شد، ناابنوتی بیشتر از  
ثلث سرمایه جدید حاضر نمده است.

احسات برادران عنیزما ملت نجیب و غیور ایران  
لسبت به ما اتفاق نیان

قاریین هنوز در موقع اهتمام بی اس حکومت انگلیس  
که چندی قبل راجع بسائل قاتلین مرحومیت حکومت متبع  
مابته، و مذاکرات و تهدیدات سیاسی را آغاز نموده، افق  
سیاست را پیشه و نار کردانیه، وزمینه محاربه را نیزه نموده  
بودند بکلی واقع اند، که این اقدام انگلیس نهایا جریان  
حضرت آیه الله زاده خالقی بالای مبنی شریف برد و واطق  
ذیل را ایراد نمودند

(هو الی اللہ الف بینک یعنی او درین شما ایجاد الفت و  
دوت نمود)

معنی این آیه این نیست که (خداؤند شارک و نعالی)  
خواسته است بنا خبر دهد کدر یک وقف چنین قضیه روی داده  
است، خیر، بلکه در ضمن این خبر عما اصر فرموده است که  
بايد ایست به مدد کردن دولت و مهربان شیم و هیچ مصیبی عالمین  
وارد نیامده است مکر اینکه به موجب این حکم عمل نکرده اند  
و مساعدت عمل داوطلب شدند، چونکه روزنامه های شریفه  
ملل اسلامی بجزای اینکه بوجب این حکم رفتار غایبند  
رو بتفرق و پراکند کی نموده و دشمنان اسلام برای خواشان  
نمیخواهند شده در تیجهه مالک اسلامی در حیله تصرف احباب در  
امده و این ملت بزرگ کرفتار اسارت و قید عبودیت کردید  
و فقط سه دولت از آنها باقی مانده و این سه دولت عبارت از  
ایران، ترک، افغان است

این سه دولت نیز با مشکلات طاقت فرسا دست  
و کریبان بوده و هر وقت خواسته حر کنی کرده و به اصلاح  
شون خواه بپردازند استعمار جیان اروپا هزار رنگ رنگه و  
در جلو رزق آنها مشکل ترانتی می کنند

اینک دولت علیه افغان که بیک از این دولت سه کانه بقیمت  
جوانان رشید خود استقلال خویش را مسترد داشت و بعد از  
آنک در مقابل فدا کاری های فوق العاده مختار مطلق کردیدند  
همین که پادشاه محبوب بزرگوار ایشان به اصلاح امور و نشر  
معارف و ترویج علوم و صنایع پرداخته و شروع باستخراج معادن  
و کشیدن راه آهن و تلکراف و غیره نمود دولت انگلیس از  
این اصلاحات که بسرعت برق صورت می کرفت و حشت افاده

و نرسید برق این ترقیات بخواه هندوستان جنون کرده و اعمالی  
آنچه در روشنی آن نور چشم خود را باز کرده و به مطامع  
استعماری او خانه دهنده این بود که در صدد جلو کیری افغان  
برآمده و بوسیله باد داشت شدید الاجن اورا تهدید نمود کا کر

(امان افغان - سال چهارم)  
(نیمه ۵۱)

روابط خود را با رسیده قطع نکند باوی خواهد جنکد و کویا  
غرضه اذ این باد داشت خانه دادن با استقلال افغان بوده است  
مسلمانان ای.

این است عملیات دشمن شما نسبت به بیک از مالک اسلامی  
و شما در مقابل این عملیات چه خواهد ترد؛ اگر سکوت  
بکشید ممکن است دشمن شما به حیات این دولت خانه داده  
و این عضو هم شمارا قطع کرده و آنوقت اعصابی دیگر باز  
کار افتد و یا با مقاومت عاجز خواهد شد  
جذاباً وند مارا با خاد و الفت دعوت کرده ولی مأموران اورا  
اطاعت نکرده و در تیجهه مالک ما از دست رفت، باید کاری  
کنیم که بقیه از دست رود و وظیفه مسلمانان امروز این است  
که برای حفظ آنچه از مالک اسلامی در دست مانده است بدل  
هست کرده و لرد کرزن را بفهماند که دیگر ان روز که ایشان  
مالکی مثل هند را استعمار کرده کذشته ووضیت کنونی  
علم اجازه نمیدهد که دولت انگلیس هیچ خلاک شرق را استعمار  
کند، بلکه باید از مستعمرات اصواتی خود دست کشیده و  
راه دیار خویش پیش کرده، این امر حتمی زین کار شدنی  
است و اکنون لرد کرزن تصدیق می کنند باید مالو انجیبور کنیم  
تاصدقی نماید کاری را که باید امروز کنیم این است که قبل  
در سفارت افغان غایی داده و اخراج بمنزل رئیس الوزراء  
و سپس بسفارت دولت علیه تر که بروم بعد از این غایش  
لازم است که سر اقب مسئله افغان و انگلیس و سایر قوهای  
مشرق بوده و همیشه کوشش داشته باشیم

که در جنگل استعمار کرفتار نیامد، و بیک تذکر افغانی نهی  
شده است که باید بدل اسلامی خواه کرده و احسانات خود  
را نسبت باین قضیه و شفیر خویش را از دور نمی دینی  
انگلیس اطمین کنیم.

دواخا فریاد (زنده باد ایه الله زاده خالصی  
مرد باد انگلیس) بله کردید: سپس آقای ناطق از مبنی  
باین آمده ویرق های که عبارات مشتمل بر شفیر از انگلیس  
و آنها نوشته بود باند کردیده و جمیت در جنین حرکت پایان  
ذیل مقتم بودند در پشت سر آقای ایه الله زاده خالصی حرکت  
کردند.

انگلیس.... آن دشمن نوع شر  
علم اسلام را اورانه کرده سر بسر  
و در حقیقی که بیت را بایک حاسه مخصوص بیخواند وارد  
سفارت افغان کردیده و حضرت سردار عبد العزیز خان سفیر  
عترم افغان با سایر اعضای سفارت خانه بایک بنشاشت فوق العاده

تا کنون یک خبر رسمی بمن زیریده و نمیدانم مسئله از چه  
قرار است ولی همین قدر بشما قول میدهم که من به مسئله  
افغان اهمیت داده و مایین افغان و ایران یک اتحادی است که  
مکن نیست مادر این قضیه بطرف پاشیم ، شما آسوده باشید که  
ما کاملاً مراقب قضیه خواهیم بود  
در آنجا فریاد زنده باد آقای رئیس وزراء محیوب بلند  
کردید سپس آقای خالصی زاده از آقای رئیس وزراء آشکر  
بوده وجمعیت از آنجا به صد سفارت ترکیه حرکت کرده ولی  
دوری راه وضيق وقت مانع شده و بیسیجود سلطانی عودت کرده  
روز دوم باسفارت ترکیه رفتند  
در سفارت ترکیه

آقای خالصی زاده بحضور سفیر نزدیک اطهار داشتند که  
برایان خطر هائی را که متوجه مشرق است حس کرده و  
بگانه و سیلبه که برای دفاع پیش بانی کرده اند این است که  
مشرقيان دست اتحاد را بهم داده و برای هر حادثه که در بین  
از جمله شرقی رخ دهد قیام کنند . نهاد استدعاگرانی که از شما  
دارند این است که احساساتی را که می بینید نسبت به افغان  
روز دادند به انقره ابلاغ فرمایند تا ملبون نزک هم مطلع شده  
و با ایشان در این احساسات شرک نموده و بهار و بایان بفهمانند  
که دیگر زمان جهان گوری کذیله است .

آقای سفیر در جواب فرمودند: من نظر به اینکه نماینده دولت ترکیه هستم صحبتی نمیکنم و صحبت‌های بمنه بگلی از صحبت رسمیت عاری است. بلکه میخواهم از نقطه نظر اینکه پل نهر مسلمان و تبرق می‌باشم و به تمام حوادثی که در شرق روی پیدا شده اعیان می‌باشم عقاید خود را اظهار نمایم.

نمایشات کلیه دلیل عواطف و احساسات ملل است و من  
زاین احساساتی که نسبت به برادران افغانی خود چرخ داده  
ید خوبی خوش وقت بوده و از شما کمال تشکر را دارم ، ولی  
در اینجا یک حقیقی است که اگرچه نلحظ است من از اطهار آن  
احرام و از آنجائی که من یک نفر سر باز هستم و اطهار حقایق  
را پیشتر از تزویرات سیاسی درست هیدام الیه مرا ممنون  
خواهید فرمود .. بعقیده بنده نمایشی که بعمل مقرون نباشد  
بی نفع است مثلاً آر من باشی طرف بشوم و برای اینکار او  
را پرسام مشت خود را کره کرده و دست بالا بیوم تایید  
در دفعه اول از من بتوسد ولی همینکه دید من دو سه دفعه  
مشت خود را بالا برد و نزدم دیگر نه تنها این کار من نفعی  
ندارد بلکه نتیجه به کس بخشیده و هیبت مرا ازین خواهد  
برد . پس وظیفه من این است که بامد از یکی دو دفعه

سپس جمعیت از آنجا حرکت کرده و بایک انتظام مخصوص  
وارد هنزل رئیس وزراء کردیده در آنجا نیز آقای خالصی  
زاده هنبر رفته و نطق ذیل را اراد نمودند .

خیل افتخار دارم که ماین ملت و رئیس وزراء او استاده  
چند کلمه عرض کنم : من خیلی خوش و قم که آقای رئیس  
وزرا احساسات ملت خود را مشاهده فرموده و ملت هم  
احساسات رئیس وزراء خود را مشاهده میکند .  
ای ملت محظوظ ا شما غایبانه رئیس وزراء خود را دوست  
داشته و فقط بواسطه عملیات اورا میستودید ، من خیلی خوش  
و قم که اصوات این فرمانده محظوظ را با چشم خود دیده حرف  
اورا میشنوید و مطمئن خواهید بود که جزو بوجب میل ملت  
وبرای آسایش مملکت قدیمی برخواهند داشت .

آقای معظم این ملت شماست که آمده است احساسات خود را نسبت به افغان بشما اظهار کرده و بگوید ما بالافغان از یک نژادم و نیتوانیم به یعنیم که حقوق برادران ما را کد مال شود آقای معظم اشما دارای دو صفت شریف میباشد یعنی اینکه رئیس وزراء ایران دوم (که در نظر من از هر صفتی شریفتر است) اینکه ایرانی و مسلمان بود ما از صفت اولی صرف نظر کرده و کار نداریم که مقام رسمی بشما چه حکم نمیکند ولی بنا بصفت دوم از شما تقاضا داریم که بادرخواست های ملت موافقت کرده و خود را با او شریک بدانید زیرا شما یعنی از افراد ملت هستید ،

نادر شاه مملکت افغان را حفظ کرد ولی برای خودش و از شما خواهش داریم آن افغان را برای افغانها حفظ کرده و نکذارید استقلال او پایا شود والبته در خواست ملت را احانت خواهد فرمود.

شما استقلال ایران را حفظ کرده و به حکومت صرکزی  
صورت عملی داده و ملت تهایت تشکر را از شما دارد و منتظر  
امت که در مسائل مشرق نیز شرکت جسته و برای استرجاع  
استقلال آنها کمتر هم بینند پدید

بعد از این نطق آقای رئیس وزراء درین همراه وزنده  
پادباند شده و نطق ذیل را اراد فرمودند

هان قسم که آقای خالصی زاده فرمودند من عیل ندارم  
لظر بمقام رسمی خود چجزی اظهار کنم . ولی نظر پاسکویک  
نفر ایرانی و مسلمان خود را در این احساسات باهملت شریک  
دانسته و خبیل از ابراز این احساسات خورسنیدم و افتخار  
دارم که یک چنین علیق داشته باشم

بعد از نطق آقای خالصی زاده آقای سفیر افغان بلند شده  
نطه ذیل را اراد نودند.

من از هیئت نایاب دهندگان بس ممنونم و تشکرات فلبی خود را به ایشان خامه آقای آیة الله زاده خالصی تقدیم میدارم  
حضرار: زنده باد آقای خالصی زاده) زیرا وظیفه اسلامی خود را ادا نمودند.

برادران عزیز! مالک شرف داشت هتلانی می کردید و  
دول اروپا آنها را تصاحب می کردند دول اسلامی یکی بعد از  
دیگری ازین رفتہ و پشت سر هم در تبعضه اروپا یان در می آمدند  
ولی مسلمانان هیچ ملت فتنه نمی شدند، چرا؟ برای این که  
مسلمانان در خواب غفلت غرق بودند ولی اصوات خدا را شکر  
می کنم که دیگر مسلمانان بیدار شده و اکر هصیبی بریکی از  
آنها وارد شود بقیه اظمار همدردی می کنند والیه ملی که

علمائی میں افغانی ایہ اللہ زادہ خالصی داشتہ پاشد باید بیدار شود. شما برای باد داشتی کہ یہ افغان داشتہ شدہ است بشورش آمده اید وہاين وابطه لازم میدام حقيقت مسئلہ را عرض کنم دونفر صاحب منصب اندکلیس در هند کشته کردیده و اندکلیسها مدعی شده اند که قاتلین به افغانستان کریخته اند و دونفر از رعایتی افغان را مهم کرده و از دولت افغان خواسته اند که آنها را مجازات کنند. حکومت افغان دو نفر منبور را کرفته و از نمایشده اندکلیس در کابل اسناد و شهودی برای دو نفر مهم تقاضا کرده ولی آن دونفر که طرف سوء ظن بوده تو قیف بوده اند قبل از رسیدن اسناد و شهود شبانه از محبس فرار اختیار کرده اند. و دولت چند نفر از یا به انان محبس را کرفت و بوجب حکم عدیله افغان چهار سال آنها را محکوم بجیس نموده است. این یک مجازات بزرگی است ولی اندکلیسها به آن راضی نشد. و در طالبات خود اصرار دارند.

\*این است حقیقتِ سلسله و دولت افغان هم مسئول نیست زیرا این  
از نعمتِ خداوند است که شنیده اند از نکار و از اتفاقات

راغی نیست و دولت افغان هم هی تواند خلاف قانون نماید.  
ماطر فدار صلحیم زیرا منعمن از امش است و از جنک متنفر  
زیرا جنک غیر از ضرر و خرابی هبیج در برندارد ولی چه کنم ک

نهی نوایم خلاف قانون نهایم اکرچه بامشکلات دوجار شویم  
اکر همسایکان بر قانون شکنی اصرار ورزیده و ماراجهنه  
عجیبور کنند تا آخرین قصره از خون خود خواهیم چن کید

بعد از نطق آقای سفیر آقای خالصی زاده بلند شده و  
سفیر اشکر کرده و اظهار داشت که باید دولت افغان بر حقوق  
حقوق خود بافشاری کند.

جمعیت را استقبال کرده و پس از آن که سکوت بر مسد فرمان  
روا کردید حضرت آیة الله زاده خالصی بهمنبر رفته و در یک  
طرف ایشان آقای سفیر جای کرفته و آقای ناطق نطق ذیل را  
اراد نمودند .

( فجهلکم بنعمتہ اخوانا یعنی شمارا باهم برادر کردند )  
این آید و در مسجد اقصد این ذکر کردم که در اینجا  
 تمام کنم . آقایان فهمیدند که مقصود از این آید امر کردن  
 مسلمانان به اتحاد و برادری بوده و در صورتی که مسلمانان  
 باهم برادر باشند آیا هیچ برادری می تواند به بیند که برادرش  
 اسرار دشمن کردیده و حقوق او را نکد مک شود ؟

آقای هاینده محترم ا- (غرض سفیر افغان است) آصور  
ذکر نمیکند که دولت انگلیس این یاد داشت را بدلت تجیب افغان  
داده است بلکه تمام مسلمانین در این مصیبت شریک بوده و هم  
خود را قشون افغان میدانستند)

در انجا دوباره فریاد زنده باد افغان بلند کردید  
آقای ناینده محترم اهل ایران درد احساسات خود را  
نسبت به افغان آشان میدهد و من بنویس خود از طرف عموم  
ایرانیان اظهار میدارم که ایرانی خود را با افغانی از یک آب و  
ویک خاک و از پشت یک پدرداری یک دین، و یک کتاب میدانم  
و اکرجه امروز دودوای بشمار میروند این تقسیم اداری بوحدت  
دینی و جنگی ایشان بهیج وجیهی صدمه وارد گی آورد ،

این عقیده ایرانی است و اوسور آمده است عقیده خود را اظهار کند . ملت افغان بداند که اکر انگلیس او را بخوبی مجبور کرد قشون جراری از داوطلبان ایران باشکن میزد و اراده که از میل خود افغانها کم نیست بمساعدت او خواهد شناخت . فریاد زنده باد ملت ایران .

آقای نایانده محترم! من آزادی یاد داشت اکرچه خبل  
ظالمانه است بسی خوشوقتم زیرا که اکر این یاد داشت من به  
بچنگ کردید ملت مظلوم هند را از قید اسارت نجات خواه  
داد در نتیجه تمام ملل شرق از قید عبودیت استعماری های ارو  
رها خواهد کردید.

این است احساس ایرانیان و امیدوارم که آن را بعل  
افغان ابلاغ نمایند تا از احساسات برادران خود نسبت پخویت  
مطلع شرددند و یقین داشته باشید که پشت سر این غاییش غایی  
هائی خواهد بود که بکار رشته امید انگلیس را از استعما  
همالک شرق قطع خواهد نمود.

در خوز حضور شان باشد اظهار عجز میباشم، و از خداوند مبارک  
و تعالیٰ تأییدات و توفیقات برای شان در راه خدمت و تعالیٰ  
اسلام پیازمی کنیم . از الطاف حضرت امجد اشرف اقا رئیس  
الوزرائهنادرجه منون و شکر کذاریم الله صراتب ایکانی را که  
لارمه شان و شرافت جلیل شان بوده نسبت غاروز داده اند .  
واز روزنامه نگاران جلیل الشان ایران عواطف احترام و لمعظیم  
رها تا که زنده ایم بدل بپورایم . واعتراض من ایم که  
آقایان محترم وظیفه محبت دینی را خوت مابین را بیشوار آنچه  
انتظار میرفت بجهت آوردند و از حقوق ماده قاع کرده . بی خاطنه که  
وتدی و شمن هارا بعلم معرفه ملت محبب ایران و سایر علم اسلام  
را اتحاد و همدردی و همراهی ماما تشویق و تحریک نموده اند .  
ایرانیان منزه، دلهای ما از محبت و خلوصیت نهایت محترمی مملو  
است که گلات و عبارات سروجه هزار پل آن را اظهار کرده  
نمی تواند، چون دل را بدل راه است البتہ برادرانها باصفای  
عقیدت و با کی طبیعت خوبیش تمام آنچه بدل داریم و از اظهار  
آن عاجزم درک خواهند بود .

(اعیادات)

﴿ يَا أَخْلَاقِيَّاتُ ﴾

بِقَمْ جَنَابُ محترمٍ آقَى عَلَى مُحَمَّدٍ خَانِ  
رَفِيقِ كُلِّ نَذْرِ بَسَاتِ وزَارَتِ مَعَارِفِ  
سُونَتِهِ كَذَنَتِهِ

(۵) باز که ملاقات کفید بی استفاده نکنارد . نتیجه  
رعایت یا عدم رعایت این عادت قبل از اینکه بسن جهل بالغ شوبد  
در ساحة ظهری آید و بلک تباین کلی در طرز حیات مان واقع  
میکند . هر چند همه انسان ها عجیب و لند باشند که چون هدیکر را  
ملاقات نمایند از بعضی امور استفسار و تجویس کنند فاما یه چیزیک  
این امر را بحیثیت بلک عادت خصوصی ناسی خوده عرض ادای  
صرایم میدانند ولی مناسفانه دیده میشود که مایان در توسعی  
دانش معلومات عمومیه موافقه در سال های اول عمر خود مان  
اهمیت نمیدهیم ولی چون بلک مقداری از عمر مان کاست و باعوان  
بلک آور رسید ماین نمکته ملنفت کشته هادست های پرخسر  
و ندامت کله های خشک پنهان خویش را محکم کرفته بضرک و  
جرت می افظیم اما وای که دران وقت چیزی بدستان نمی آید  
و حجز خاربدن بثت کاری رامعان نهایاند .

والتر سکات میگفت: هیچ شخصی (از هر پیش و کاریکه بوده) اتصاد ف نکردم مگر اینکه یعنی از رد و بدل تردند چند - چن جزوی حاصل کردم که قبل از داشتم و معلوماتی را فهمیدم که پیشتر عیالاً م ازین امر همچه منفاذ نبتوود که مشاراً به

معاونت داشته باشد همین ایران است، و همچنان که یکا بتواند  
با ایران هر راهی و باری کنند، و ایران ازو انتظار هند دی  
داشته باشد همین افغانستان است. از همه مهم تر اتحاد دین  
و مذهب این دولت است که طامل عحدة اتحاد معنوی است  
واز حیث روحانیت که یکا و سیله حبات مسلمین است این دو  
ملت را باهم مربوط ساخته است و همراهون و نشانصر بکد بکر  
آهارا مکلف کردند.

هیین شدت اتحاد و یکو جودی است که عرض شنیدن حبر  
کشا شن اکلیس ماففه لستان تمام از آنوا بجهش درآورد همین  
علایق مادی و معنوی است که از آنها را به نظاهرات و همایشات  
و اطلاع ها رعایت اذکریم و ادار ساخت ، همین یک ریشه کی  
الله اسلامی و روحانی است نهادن قدسیت آیات حضرت ابیت الله  
حاصی زاده را متوجه و مقرار ساخته لطفها نمود ، و خطابه  
ها ایجاد کرد و ملـ را به فداکاری حاضر ساخت و بحضور  
حضرت اشرف آقاوی رئیس وزرا عواطف ملت را عرض  
نموده ، و همراهی ایشان را خواستکار شدند ، همین یک ریشه کی مصالح

(لُكْرُ)

ای ملت نجیب ایران ، ای ملت خوشبخت و باشرافت ایران  
ای ملت باشهاست ایران ، ای ملت دیندار ایران ، ای ملت  
اخوت کار ایران ، ای ملتیکه نازیع رمندایی اخلاق و نوع خواهی  
نوکواه است ، ای ملتیکه فرزانه ها و رازی ها و طویل سپاه او شیرازی ها  
وقزوئی ها ..... های تو که از حکما و علمای یزدان تغیر دنیا هستند  
بر لطف افت طبیعت و محنت ادراکات نو دلیل است ای ملتیکه آثار  
استغفار فارس و مدانی بر جلال و ایعت شان نورهان روشن است  
احترامات خالصانه و تشكیرات صمیدانه خود را بحضورت البلاغ  
و غافله اه مصافیحه و معافه محبت کارانه نموده امید واریم که این  
احساسات عقیده ندانه سارا ا لطف عجم و سعادی کریم خویش  
پذیرید ، این خیالات انجام و افکار و داد شمار اتا اید فراموش  
کرد ، عینوارم ، این هم خیالات فلکی و فداکاری های شمارا  
عیج کاهی ارخاطر آشیده نمیتوارم ، دستهای حضرت آقا  
حمد ابا ایت الله خالصی زاده راجحکمال احترام یوسه داده ارکشیر یک

که هشت را بالا بدم یک دفعه هم یزئم تا قالا «بیتم ازین زود  
( بعضی بیانات دیگر سفیر تر کیه چونکه خارج از موضوع و  
مناسبت موقع بوده ازان صرف نظر شد — امان افغان )  
آقای خالصی زاده جواب دادند که وظیفه ملت این است  
که احساسات خود را به قابین خویش نشان داده و وظیفه  
قابین این است که اورا بجانب مقصود سوق دهنده ملت میدانند  
که وسایل دفاع مادی کنفردارد وقوای چنگی و علوم و صنایع او  
ناقص است ولی ایجاد آن از وظایف قابین وزمامداران است .  
دیروز یعنی رئیس وزراء خود رفته و احساسات خویش را  
به ایشان نشان داده و امروز آمده ام بشما کویم رای ایجاد وسایل  
اتحاد بکوشید زیرا بزرگترین اسباب ضعف اتحاد بوده و بغير  
از اتحاد نمکن بیست شرق را از چنگال اروپا ایشان بمحاجات داد  
آقای سفیر قول دادند که آنچه وظیفه ایشان است انجام  
دهد . و تا غروب حجمیت در آنجای بوده بعد با آقای سفیر خدا حافظی  
( امان افغان )

نماینده خواهیم که عوامل این اظہارات و دادردا فدری شر  
و نشکرات و احساسات ملت افغان را در خانه به برادر  
عهیز خود ملت ایران عرض نمایم

ماین ایران و افغانستان یک جنан اتحاد و یکانی کار و جو  
دارد که اگر بینظر غور در روابط و علائق این اتحاد  
و یکانی تعمق نمایم می‌بینیم که غیر از همین یک اختلاف است  
و باقی از مقررات سیاسی دیگر هیچ کونه عوامل مبایت و دور  
درین نیست . ایران و افغانستان هم وجود یک انسان را تشکیل  
میدهند که شق این آن ایران و شق ایسرا آن افغانستان است  
ناریخ و طبیعت شاهد یک وجودی ایران و افغانستان است .  
ایران و افغانستان مثل دو کود یک منرعه تحت تاثیرات  
آب و هوای محیط و فضای پویه یک نوع عصولات که عبارت  
اهمی است بوجود آورده‌اند ، و همچنان که در محصول دو کو-  
گندم هم‌جوار یک محیط هیچ نوع تغایر دیده نیشود ، ذ-  
واصلاً در عادات و اخلاق و ملکات و احساسات ایرانی و افغانی  
هم مبایت و اختلاف نبوده و همچو دو برادر عینی از یک بدرومی  
اند . افغانها و ایرانیها از یک جنس و عرق و سلاطه نوع اشراف  
اکرجه زبان هلی افغانها افغانی است ولی چون افغان  
و فارسی از یک اصل اند و نیز زبان فارسی در تمام افغانستان صور  
وتکلام به آن عمومی است ، میتوانیم بگوییم که زبان این دو مملکت  
هم واحد است . در مصالح حیاتی و اقتصادی و سیاسی  
افغانستان و ایران یکسان بوده ، در تحت فشار یک نوع عوام  
داخلی و خارجی واقع شده اند ، امروز کسیکه به افغانستان  
مساعدت و معاونت نمایند و بگند و افغانستان ازو چشمدا

و همچنین جراید شریفه ایرانی مثل ستاره ایران ، و حیات  
ایران ، و پیکان و عصر آزادی و بهار و غیره . مقالات آتشین  
و حرارت ناک برعلیه انگلیسها و همدردی و اتحاد با افغانستان  
مکرد شرداده‌اند ، حقیقت حکومت متفوّه خویش نیز پیشهاد  
برده‌اند که ایستاده در این مسئله سکوت را جائز ندانسته بادولت  
انگلیس داخل مذاکره بشود و در موقع ضرورت به اقدامات  
عملی مبادرت نماید . چنانچه روز نامه شریفه حیات ایران در  
پایان مقاله "افتتاحیه نمره ۹۶" خود به تحت عنوان (افغانستان  
و علاقه‌مندی ما ) نکاشته اید بعداز ذکر واقعه و تین اوضاع انگلیس  
و اشواق صدم به اظهارات و اقدامات اتحاد کارانه می‌نویسد  
«وابن اذاره از علاقه‌مندی نسبت یک دولت جدید الاستقلال  
اسلامی نیست و وظیفه دولت ایران است که بنام علاقه‌مندان  
ایران به ملت افغانستان داخل در یک سلسه مذاکرات جدی  
با دولت انگلیس شده و ضمناً اشکالاتی که فی ماین تولید شده  
است بدلکه مرتفع سازند ، و سپس با دولت انگلیس بهمراهند  
که عالم اسلام اسروزه حاضر نیست که جمی از برادران خود را  
در زیر چنگال دز خیم اجانب بهبیند و ساکت بهشیند و بدیهی  
است آنوقت دولت انگلیس سودی نخواهد داشت خاصه آنکه از  
بيانات دیروز وزیر خارجه روسیه معلوم شد که دولت مشارکها  
علاقه‌نامی در این کشمکش دارد و حق اظهار میدارد که  
در مقامات رسمی روسیه تولید اضطرابی نموده است . این مراتب



گان میکنم اگر بیطour حمل کنیم هم مطابق و قایع عجیب  
غیرب زمانه رفتار و هم موافق الشاء قدیم خود قواعد صرفی  
را میاعت کرده ایم

نفریج ادبی و سیر علوم  
آیا علم راعضای جسم خودداری؟

چه مشاغلی دارد این انت دقیق جسم انسانی، و از جه  
عنصری ساخته شده است و چه طور ترکیب یافته است بطور  
سوال جواب

سوال «جسم دارای چند عضله است و آنها کار میکنند»  
جواب — در جسم ما ۵۲ عضله متحرک است و همه آنها بادای  
وظیفه که دارند مصروف اند عضلات جذب میباشند و دفع  
نیکنند ذراع تو بلند می شود برای عضله که در آنها است و  
جذب می شود بسوی او تمام حرکات جسم انسان حاصل می  
شوند به قبض و بسط عضلات.

س — عناصر و موادی که جسم از آنها سرک است  
جهه ها هستند.

چ — دو ثلث بدن انسان آب است یعنی ازوزن جسم اکر  
معادل ۱۵۰ رطل باشد صدر طبل آن آب است و ۴۴ رطل  
آن کربون و هفت رطل او جیر دور طبل فسفور و کتر از دو  
او قبه نمک و ربیع او قبه آهن خس او قبه شکر و اجزای  
قابلی اوتیاسه و کبریت و مقدبز یا وکاور و بود بخلافه اینها در  
جسم ۵ رطل بیقر و جبن و ۱۳ رطل هیدر و جین و اکسیژن  
غیراز آنچه ازینها در آب جسم موجود است میباشد و این میزان  
در آدمی است که وزن همه جسم او ۱۵۰ رطل باشد.

س — برای جه اشک چشم شور است  
چ — برای اینکه تمام سوال بدن انسانی از خون و غیره  
تحتی که بزرگتر باشند و علت این عذر را بعضی  
از حکما از غایای از دوره که انسان زندگی در آب می شود  
است میدانند بعقیده آنها حیوانات و جان دارها از عیش  
این بعد وارد خشکی وزمین شده اند و حکمت شوری آب  
چشم این است که نمک جسم را از فساد مجاھد مینماید  
و زخم را زود شفایده دهد و بسی از اطباطا هنوز هم از معقمات  
زمخ همین معقمات نمک را میدانند و در جاهای بیرون و زخم  
ها نمک را استعمال مینمایند.

س — در بدن انسان چند موی است  
چ — در آدم سفید مسد عدد موی بدنش از جهل هزار  
الا ۶۰ هزار است و در زن هفتاد هزار عدد است ولی در  
ادمهای سیاه خوبی کمتر ازین عدد موی موجود است.

در مطبوعه حروفی ماشین خانه طبع گردید

این فرانسوی بی جاره روز لاغر و ضعیف ترشده  
و وزی از روزها خود را بلند آمد اخته پیش بی ازا و پر انور  
های مصروف آنجا رفته سر نداشت خود را نفل نموده بود.

او پر انور بدققت هایته نموده و در نتیجه اظهار کرد.

اشک مکس در نه دماغ تان وجود می باشد  
انگاه بتر دستی مکسی کرفته در دستش قائم نموده بعد از نوش  
اشتر دماغ فرانسوی را قادری خراشیده مکس را بچاکی باخون  
دماغ او ملوان کرده و گفت: بود:

به یافیست! .. مکس را در آوردم! اکر دو روز هم  
در عالمی تا خیر میشد توی مغزت جایی گرفت.

خلاصه: ناین واسطه این بی جاره را از بیک عذاب جهنه  
نجات داده بود.

باهاطاهر معروف صاحب امتیاز روز نامه (معلومات) هم  
روزی یعنی ۲۷ گفت:

بودن بعضی جزء های متحرک و در ازی توی شکم خود احساس  
می شویم . در صورتی که در این قسم مسحوم با با غیر از جاسوس های  
در باری چزی قابل رسی نداشت محکم مراجعت کرده حکم  
تسخیه نوشته در نتیجه خوردن دوا اظهار (رد) بود آنچه بیزی  
مانند مار بطول جذبین هتر از معده من بیرون آمد.

لیکن مسد ایتن بلکراد هیچ کدام از این اقسام مذکور نبوده  
بلکه او حامل دو بیخ بوده است

خوب یاد مفداد یکوقتی کله (حامله) میان اهل علم قدیم  
مامور دیخت شده بیک از آنها گفت: بود که:

در جله، فلان زن حاشه بود، های تایبت آخر کله (حامله)  
را باید حذف نمود زیرا بدینه است که، مؤنث ایتن می شود  
نهمذکر با راین کله [حامله] که عوض ایتن نوشته میشود  
غلط است:

بس از این قرار لازم می آید من بعد برای تغیر مسد  
ایتن بازن ایتن در موضوع مسد (حامله) در باره زن  
(حامله) گفت: نوشته شود

بعلاوه وقتیک بیک مسدی اصارف نمودید آن در شکم خود  
نیکی و کاه کاهی حرکت بعضی ذر روح را احساس نموده،  
میل بنداهای معمولی نکرده و در هر چند روزی بی تاب و نوان  
می افتد فورا نایتی گفت:

و رادر جام، هبادا حامل بوده باشید زود بیک دکتر و  
ماما مراجعت کنید.

و بر عکس در موقع ملاقات با بیک جنین رانی هم ماید پرسید:  
همش بر همان مکر حاشه هستید؟